

# معاد

قسمت چهارم

آیت الله حسین نوری

## \* لزوم مجازات ستمکاران

### \* اهمیت عدالت و نکوهیدگی

ظلم

### \* رعایت حقوق یا تجاوز به حقوق

### \* منشاء حقوق چیست؟

### \* بزرگترین حق ها

بحث ما بتوفیق خداوند متعال پیرامون «معاد» که یکی از اصول اعتقادی دین مقدس اسلام است میباشد این بحث در مقاله های قبل باین نقطه منتهی گردید که محققین از حکما و متکلمین به پیروی از منطق عقل و شرع برای اثبات «معاد» دلایل و براهین متعددی ذکر کرده اند که دو تا از آنها که از حکمت و عدالت خداوند سرچشمه می گرفت مذکور گردید اکنون به ذکر «برهان سوم» که آن نیز با عدالت خداوند متعال ارتباط دارد می پردازیم:

### برهان سوم

این برهان نیز از دو مقدمه تشکیل میشود:

۱- در این دنیا بسیاری از افراد در زندگی خود عدالت را مراعات نمی کنند و به دیگران ظلم می کنند.

۲- چنانکه میدانیم در بسیاری از موارد، انتقام این ظلم ها گرفته نمیشود یعنی در این جهان احقاق حق مظلوم بعمل نمی آید و ظالم به کیفر و مجازات ظلم خود نمیرسد در نتیجه چون خداوند عادل است عدالت وی ایجاب میکند که صحنه دیگری غیر از صحنه این جهان بوجود بیاورد تا در آن روز و در آن صحنه محکمه عدالت تشکیل داده

كُلُّ مَهْلٍ يَتَنَوَى الْوُجُوهَ يَسْتَسِرُّ الشَّرَابُ وَمَا تُمْرُتُ فَرْتَقًا<sup>۱</sup>

یعنی: «ما برای ستمکاران آتشی را که شعله های آن مانند خیمه های بزرگ بگرد آنها را احاطه کند فراهم ساخته ایم و هرگاه آنان از شدت تشنگی آبی درخواست کنند، آبی مانند مس گداخته سوزان با آنها داده شود که از شدت حرارت چهره ها را میسوزاند و آن آب بسیار بد و ناگوار و دوزخ آسایشگاه بسیار بدی است.»

و نیز میگوید: وَأَعْتَدْنَا لِلْفَٰلِٰئِمِينَ عَذَابًا أَلِيمًا<sup>۲</sup>

یعنی «ما برای ستمکاران عذاب دردناکی را فراهم کرده ایم»

و باز میفرماید: يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الْفَٰلِٰئِمِينَ فَعْدِرُهُمْ وَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ<sup>۳</sup>

یعنی: «روز قیامت، ظالمان را پشیمانی و عذرخواهی، سود ندهد و برای آنها خشم و لعنت و منزلگاه بد (جهنم) مهیا است.»

حضرت پیغمبر اکرم (ص) فرمودند: «انْقُوا الظُّلْمَ فَإِنَّهُ ظُلُمَاتٌ يَوْمَ الْقِيَمَةِ»<sup>۴</sup>

یعنی: «از ظلم بپرهیزید زیرا آن در روز قیامت به صورت تاریکیها نمایان خواهد شد»

این خلاصه این برهان است ولی برای توضیح بیشتر لازم است چند مطلب را مورد توجه قرار بدهیم:

انتقام مظلوم را از ظالم بگیرد و ظالم را به مجازات ظلم برساند. و آنروز «قیامت» و آن صحنه «معاد» است.

این خلاصه این برهان عقلی است، و این برهان را نیز مانند براهین قبل، آیات قرآنی و احادیث دینی تمایز و تشبیه می کنند.

قرآن می گوید: «وَلَا تَحْسَبَنَّ اللّٰهَ غَافِلًا عَمَّا تَعْمَلُ الْفَٰلِٰئِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِیَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ»<sup>۱</sup>

یعنی: هرگز چنین مپندارید که خدا از کردار ستمکاران غافل است بلکه کیفر ظالمان را برای روزی که در آن روز چشم ها خیره میشوند بتأخیر می اندازد»

و نیز میفرماید: إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْفَٰلِٰئِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا وَإِنْ يَسْتَعِثُوا بُعَاثُوا بِمَاءٍ

## الف - اهمیت عدالت و نكوهیدگی ظلم

باید دانست که یکی از معیارهای بزرگ اسلام، مورد اهمیت و تاکید قراردادن عدالت است بطوریکه در قرآن کریم در ۲۲ مورد از عدالت تمجید بعمل آمده و مردم به رعایت آن ترغیب شده‌اند و در نهج البلاغه در ۵۶ مورد از اهمیت عدالت و نقش و موقعیت آن در زندگی سخن بنمیان آمده و لزوم مراعات آن مورد تاکید واقع شده است و در قرآن مجید در ۲۸۷ مورد از ظلم انتقاد شدید بعمل آمده و بر اجترار از آن تاکید شده و در نهج البلاغه نیز در ۷۵ مورد، از آن سخت مذمت و نکوهش بعمل آمده است و روشن است که این همه تذکر و تاکید با تعبیرات گوناگون روشنگر اهمیت عدالت و نکوهش ستم است و ما در این زمینه بتوفیق الهی مطالبی بیان خواهیم کرد.

## ب ظلم = تجاوز به حقوق

از آنجا که «عدالت» بمعنای مراعات «حقوق» و ظلم عبارت از تجاوز به حقوق دیگران است لازم است برای روشن شدن مفهوم کامل ظلم و همچنین برای پی بردن به انواع ظلم‌ها یکی از مباحث مهم فرهنگ اسلامی که عبارت از بحث «حقوق» است را در اینجا مطرح کنیم: یکی از موضوعاتی که در دین مقدس اسلام مورد توجه کامل قرار گرفته و درباره آن آیات فراوانی در قرآن مجید و احادیث بسیاری از پیشوایان بزرگ اسلام صادر گردیده است موضوع حقوق است براساس فرهنگ اسلامی، انسان در هرگامی که در راه زندگی بر میدارد با چندین «حق» مواجه می‌گردد و یک مسلمان کامل آن کسی است که نخست شناخت صحیح از آنها داشته و مراتب آنها را نسبت بهم درست درک کند سپس در مقام عمل آنها را بطور دقیق و کامل مراعات نماید.

و باید توجه داشت که «حقوق» در اسلام بسیار گسترده است و حتی اختصاص به انسان در برابر انسانها ندارد و شامل حیوانات و حتی برخی از جمادات نیز میشود.

## منشاء حقوق چیست؟

آن رابطه خاصی که میان ذی حق و آن شیئی که متعلق حق است وجود دارد «حق» نامیده میشود و البته مکتب‌ها در پدید آمدن حق و انواع حقوق پدید آمده، تاثیر و تفاوت دارند.

مثلاً بنابر «مکتب الهی» و جهان بینی اسلامی یکی از مبادی پیدایش حقوق «علاقه غایی» است که میان انسان و موجودات - بر حسب آفرینش - وجود دارد یعنی: چون میان انسان و مواهب جهان در متن خلقت و نقشه کلی آفرینش علاقه و رابطه ای وجود دارد بطوریکه هر کس در نظام خلقت دقت کند این مطلب را حس می‌کند که این معادن، این دریاها، این نهرها و چشمه‌ها، این کوهها، این زمین‌ها و صحراها، این گیاهها و محصولات و ماکولات و این نور و وسایل سوخت و انرژی و بالاخره همه مواهب این زمین بخاطر انسانها و برای استفاده آنها و حیواناتی که بتوانند از آنها استفاده کنند. خلقت شده است و انسان نیز حق دارد از این مواهب و منابع استفاده کند مثلاً در نظام کلی کائنات یک سلسله مواد غذایی هست و از طرفی حیوانها طوری خلقت شده‌اند که هر یک از آنها هاضمه مخصوص و مناسبی برای هضم یک نوع از این مواد غذایی دارد از این جهت ثابت میشود که هر نوع از این حیوانات چه گیاهخوار، چه گوشتخوار و چه دانه‌خوار حق استفاده از آن نوع غذایی که با هاضمه آن مناسب است را دارد.

کسی که در هاضمه ضعیف و ظریف نوزاد و پستان پر از شیر مادرش دقت نماید این مطلب را بطور روشن درک می‌کند که این دو منبع غذایی روی سینه مادر که پستان نامیده میشود برای این نوزاد آفریده شده است و او حق دارد از آنها استفاده کند و اگر کسی جلوی این استفاده را بگیرد در حق آن کودک ظلم کرده است.

انسان نیز فرزند این جهان است و در وجود این مادر بزرگ که نامش جهان است ودیعه‌ها و گنجینه‌هایی وجود دارد که این تعبیه‌ها برای استفاده انسان بعمل آمده است یعنی: نظام چهار فصل زمین و حرکت ابرها و ریزش بارانها و پیدایش فصل بهار و پدید آمدن انواع مواهب و نعمت‌ها و تناسب همه آنها با زندگی انسانها این مطلب را برای هر خردمندی ثابت می‌کند که انسانها در این مواهب حق دارند.

آیات قرآن کریم این حقیقت را بطور مکرر و مؤکد بیان می‌کند و می‌گوید:

وَالْأَرْضُ وَصْنَهَا لِأَنَامٍ

یعنی: «خداوند زمین را برای انسانها قرار داده است»

حَقَّقْ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا

یعنی: «آنچه را که در زمین است خداوند برای شما آفریده است»

سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

یعنی «آنچه را که در آسمانها و زمین است خداوند سخر شما گردانیده است»

باید توجه داشت از این حکم عقلی که ذکر گردید و همچنین از این قبیل آیات قرآنی اصل حق انسان نسبت باین موجودات ثابت میشود و اما کیفیت و میزان آن و همچنین نحوه استفاده از آن را باید از شرع اسلام بدست آورد.

و نیز باید توجه کنیم که یکی از این

حقوق حق آزاد زیستن است باین معنا که «آزادی» یکی از حقوق مهم انسانها است و هر انسانی و جامعه‌ای باید بر مقتضات فرهنگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود حکومت داشته باشد و بدست و فکر خود سرنوشت خود را تعیین کند و هر قدرتی که بخواهد این حق را از فرد یا جامعه‌ای سلب کند درباره او ظلم کرده است حضرت امیرمؤمنان(ع) به فرزند خود حضرت مجتبی علیه السلام فرمودند:

وَلَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَقَدْ جَعَلَكَ اللهُ حُرًّا  
یعنی: «چون خداوند تو را آزاد آفریده است، بنده دیگری مباش»

آنچه تاکنون ذکر گردید یک نوع از حقوق بود که از «علاقه غائی» سرچشمه می‌گرفت و نوع دیگر از حقوق از علاقه فاعلی بوجود می‌آید یعنی ذی حق مورد حق را خودش بوجود آورده است مثلاً کسی که درختی در زمینی می‌کارد و آندرخت را مراقبت و آبیاری می‌کند تا میوه میدهد رابطه‌ای که بین این شخص و آندرخت هست رابطه فعل و فاعل است یعنی فعالیت و اقدام او موجب بوجود آمدن آندرخت و میوه آن گردیده است و همین امر ایجاد حق می‌کند.

کسی که به کسی احسان می‌کند چه احسان تربیتی - اعم از تربیت علمی و فکری یا تربیت جسمی و چه احسان مالی یا خدماتی بهر شکل که باشد - این احسان موجب ثبوت حق احسان کننده نسبت به کسی که درباره او احسان صورت گرفته است می‌گردد.

کسی که با کسی پیمان می‌بندد چه پیمان زناشویی یا پیمان معاملی یا پیمان دیگر همین موضوع نیز موجب میشود که میان هم پیمانها حقوقی بوجود بیاید.

تشریح و بیان این حقوق یکی از مسائلی مهمی است که در فرهنگ اسلامی مورد توجه قرار گرفته و احادیث فراوانی درباره بیان و توضیح آنها و تأکیدات بسیاری در مورد رعایت آنها وجود دارد.

مثلاً احادیثی درباره حق رهبر حق پدر حق مادر حق فرزند حق خویشاوندان حق همسایگان حق رعیت حق برادر دینی حق بزرگتر بر کوچکتر حق معلم حق متعلم و حق طلبکار... وارد گردیده است که مطالعه آنها ما را بر اهمیت این حقوق آشنا میسازد و ما با توفیق خداوند به توضیح برخی از آنها خواهیم پرداخت.

مثلاً در نهج البلاغه در ۲۲۴ مورد از حق نام برده شده است و حضرت امیرمؤمنان(ع) در ضمن خطبه‌ها و نامه‌ها و کلمات قصار این حقوق را یادآور شده و نقش و اهمیت آنها را در زندگی بازگو فرموده است.

در این زمینه رساله‌ای از حضرت سجاد علیه السلام در دست است که بنام رساله حقوق معروف است که در آن ۵۰ حق را ذکر کرده و از اهمیت آنها سخن گفته است و راه ادای این حقوق مهم را بیان فرموده است.

وَمَحَدِّثِينَ أَنْزَلَ فِي كِتَابِ الْحَدِيثِ دَرَجًا نَسَّوْهُ أَمْدًا وَمَحَدِّثٌ بَزْرُگُوَارٍ صَاحِبِ وَسَائِلِ الشَّيْخَةِ نَيْزًا أَمْرًا دَرَجًا (۱ ص ۱۳۱) ذکر کرده است.

ما با توفیق خداوند در مقاله بعد نیز درباره حقوق بحث خواهیم کرد اکنون با ذکر بزرگترین حقوق این مقاله را به پایان میرسانیم.

حضرت امیرمؤمنان علیه السلام در خطبه ۲۰۷ میفرماید: وَأَعْظَمُ مَا أَقْرَضَ سُبْحَانَكَ مِنْ بَلَدِكَ الْحَقُّ عَلَى الْوَالِي عَلَى الرَّعِيَّةِ عَلَى الْوَالِي<sup>۱</sup>

یعنی «بزرگترین حق‌ها که خداوند سبحان واجب گردانیده حق والی بر رعیت و حق رعیت بر والی است».

و در خطبه ۳۴ میفرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا وَلَكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ فَأَنَا خَشِيْتُكُمْ عَلَى فُلَانِيَّةٍ لَكُمْ وَتَوَضَّعْتُ لَكُمْ عَلَيْكُمْ وَتَقَلَّبْتُكُمْ كَيْفًا تَقَلَّبُوا وَأَنَا عَفِي عَلَيْكُمْ فَأَلْوِي بِالْبَنَةِ وَالنَّصِيحَةَ فِي الشَّهَادَةِ وَالصَّغِيْبَ وَالْإِجَابَةَ حِينَ أَدْلُوكُمْ وَالْقَاعَةَ حِينَ أَمْرُكُمْ<sup>۱۱</sup>

یعنی: «ای مردم مرا بر شما حقی و شما را نیز بر عهده من حقی است اقا حقی که شما بر من دارید باین شرح است:

- ۱- خیرخواهی نسبت به شما
- ۲- صرف بیت‌المال در راه رفاه زندگی شما
- ۳- تعلیم علم و سواد تا از جهل رهایی یابید
- ۴- تربیت شما تا آمادگی برای بکار بستن معارف اسلامی پیدا کنید

و اقا حقی که من بر شما دارم نیز باین ترتیب است:

- ۱- به عهد و پیمانی که با من می‌بندید وفادار باشید
- ۲- در پنهان و آشکار خیرخواهی نسبت به من داشته باشید
- ۳- هرگاه شما را برای انجام کاری دعوت کنم اجابت کنید
- ۴- هرچه که شما را فرمان می‌دهم اطاعت نمایید»

- ۱- سوره ابراهیم. آیه ۴۲
- ۲- سوره کهف. آیه ۲۹
- ۳- سوره فرقان. آیه ۳۷
- ۴- سوره غافر. آیه ۵۲
- ۵- اصول کافی ج ۲ ص ۲۳۲
- ۶- سوره الرحمن. آیه ۱۰
- ۷- سوره بقره. آیه ۲۹
- ۸- سوره الجاثیه. آیه ۱۳
- ۹- نهج البلاغه. نامه ۳۱
- ۱۰- نهج البلاغه. خطبه ۲۰۷
- ۱۱- نهج البلاغه. خطبه ۳۴